

قانون عملیات بانکی بدون ربا: انحراف و اصلاح

نگاه دکتر ایرج توتونچیان، استاد دانشگاه و مدیر ارتباط با دانشگاه در بانک صنعت و معدن



نیز آموزش صحیح و فشرده پرسنل ذریع می باشد. موضوع دیگر در خصوص مشتریانی که با این نوع عقد سروکار پیدا می کنند، این است که در مورد هر نوع تبعیضی که حاصل امضای چنین قراردادهایی است، مورد حمایت قانونی قرار گیرند. مفهوم چنین پیشنهادی، این است که با انجام عملیات مشارکت واقعی، دو نوع قرارداد در بانک‌ها بسته می شود؛ یکی عملیات فعلی که ربوی است و هزینه بهره وام حتی از نظر وزارت امور اقتصادی و دارایی جزو هزینه‌های قابل قبول شخص حقوقی تلقی می شود و دیگری، مشارکتی که هزینه‌ای در بر ندارد. به عبارت دیگر، با اجرای این پیشنهاد، به اجبار، استاندارد مضاعف به وجود می آید و از آنجا که متأسفانه هزینه بهره جزو هزینه‌های قابل قبول بوده و از پرداخت مالیات معاف است، با انجام عقد مشارکت واقعی چون هزینه‌ای به نام بهره وجود ندارد، سود این واحدها بیشتر شده و مالیات بیشتری به آنها تعلق می گیرد. پیشنهاد فوق برای جلوگیری از این تبعیض است، زیرا اگر چنین نشود، آنها که اسلامی عمل می کنند جریمه شده و آنها که غیراسلامی عمل می کنند، تشویق می شوند.

باز کردن سپرده‌های ممتاز و عادی

بر اساس پیشنهاد فوق، باجه‌ای که به موجب بند قبلی تأسیس می شود، باید دو نوع سپرده ممتاز و عادی را بپذیرد: الف) سپرده‌های ممتاز؛ این سپرده‌ها از نوعی هستند که از طریق بانک اسلامی به مصرف عملیات حقیقی اسلامی خواهند رسید و سود متغیر دارند و سپرده‌گذاران ریسک‌پذیر هستند. این سپرده‌ها شباهت زیادی به اوراق سهام عادی دارد. ب) سپرده‌های عادی؛ این نوع سپرده‌ها از نظر تخصیص منابع، تفاوتی با سپرده‌های ممتاز ندارد الا این که برای کسانی طراحی شده است که هزینه زندگی خود را بر اساس درآمد ثابت تنظیم می کنند و ریسک‌پذیر نیستند. تنها تفاوت آن با سپرده ممتاز این است که نرخ آن ثابت است و از این جهت شباهت زیادی به اوراق سهام ممتاز دارد. در هیچ یک از دو نوع سپرده، سود پرداختی به سپرده‌گذاران نباید به عنوان هزینه بانک محسوب شود.

مداخله شخص ثالث

مشاهدات تصادفی و همچنین آمارهای موجود

و مشکلات پیچیده‌تر شدند. برای اطمینان از این که سازمان دهی مجدداً موفقیت آمیز خواهد بود، به وجود آوردن معیار کمی ضروری است. این یک واقعیت است که در مورد این قانون، معیارها و شاخص‌های محسوسی برای بخش‌های حیاتی آن تنظیم نشده است. البته تحول الزام آور قانون عملیات بانکی بدون ربا، به وسیله مجلس شورای اسلامی و پس از یک دوره مطالعه طولانی دیده شده بود. مقامات مسؤول بانکی موظف به تحقق اهداف ذکر شده در قانون بودند. انتظار می رفت که آنها تمام امکانات و نیروهای بالقوه خود را برای انجام آن بسیج کرده و همگان در این تعهد مشارکت نمایند. ولی این مسؤولیت به خاطر عدم خودباوری و به دلیل آن که بانکداری متعارف تجربه طولانی داشته، جایی گرفته نشد. حداقل کاری که مسؤولان وقت می توانستند انجام دهند، این بود که به طور آزمایشی آن را پیاده کنند که در این صورت، موفقیت و شکست حاصل از آن، نوعی کسب تجربه بود. البته پدیده بانکداری بدون ربا موضوع ساده‌ای نبود که با حذف بهره بر اساس ماده واحده و یا ۲۷ ماده و چهار تبصره همین قانون، به سادگی بتوان آن را پیاده کرد. پیاده کردن چنین نظامی، یک کوشش همه جانبه مستمر فرهنگی - علمی - اجتماعی را می طلبد - که همچنان می طلبد.

نحوه اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا

در جریان اجرای این قانون، همواره دو نوع فشار وجود داشته است. اول از طرف پرسنل بانکی با مقاومت در مقابل تغییر و دوم پس زدن الگوهای اسلامی توسط برخی از روشنفکران. توصیه‌های متعددی برای آماده کردن بسترها جهت تطابق عمل و تئوری (قانون) وجود دارد. این مجموعه پیشنهادات، خود جزئی از یک بسته کامل هستند و این بسته کامل، مکمل معاملاتی خواهند بود که اکنون فقط در برخی از موارد به آن عمل می شود. ذیلاً فقط به راه‌های بازگشت از دیدگاه مسایل بانکی می پردازیم. البته تمام دلایل انحراف نیز جای خاص خود را دارد و باید درصدد جبران آنها باشیم تا نسبت به اجرای کامل قانون در بستر اجتماع، اطمینان قطعی حاصل شود.

باز کردن باجه در شعب بانکی

برای آن که به تدریج مردم مسلمان کشورمان به دستور اسلام و در چارچوب قانون عملیات بانکی بدون ربا عمل کنند، می توان کارهایی نظیر ایجاد یا بازگشایی باجه‌ای در خصوص عقد مشارکت (واقعی) در یکی از شهرهایی که تعصبات مذهبی قوی تری در آنجا وجود دارد، یا ایجاد باجه‌ای در یک بانک خاص و یا باز کردن باجه در یکی از شعب بانک‌های کشور را انجام داد. البته ضرورت دارد قانون و مقررات و دستورالعمل‌های متناسب با دقت کافی نوشته شده و اطلاع‌رسانی شوند. به نظر می رسد طی ۲۰ سال گذشته، در دستورالعمل‌های موجود، دخل و تصرفی شده است. این پیشنهاد برای حصول اطمینان از اجرای صحیح قانون و دستورالعمل‌هاست. پیش‌نیاز موفقیت آن،

دکتر ایرج توتونچیان از استادان شاخص بانکداری اسلامی ایران و جهان محسوب می شود که از بدو تدوین و تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا (مصوب ۱۳۶۲)، در مراکز قانون‌گذاری و محافل کارشناسی و تخصصی حوزه بانکی کشور، حضور داشته است. ایشان علاوه بر سمت‌های مختلف علمی و اجرایی از جمله معاونت وزارت امور اقتصادی و دارایی، به تدریس علوم اقتصادی اشتغال داشته و هم اکنون کرسی استادی دانشکده اقتصاد دانشگاه الزهرا (س) را بر عهده دارد. دکتر توتونچیان در کنار تألیف کتب و مقالات متعدد در حوزه بانکداری اسلامی، سخنرانی در سمینارها و همایش‌های مختلف داخلی و بین‌المللی از جمله به دعوت کشورهای مالزی، عربستان و بانک مرکزی انگلستان و آمریکا (دانشگاه هاروارد)، توسعه بانکداری اسلامی را همچنان به جد پیگیری می نماید. «پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری»، به قلم وی، در سال ۸۱ کتاب سال شناخته شد. آنچه در ذیل به خوانندگان ماهنامه «اقتصاد ایران» تقدیم می شود، چکیده‌ای از نظرات و دیدگاه‌های این استاد بانکداری اسلامی در خصوص روند اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا در کشور است. همچنین، پیشنهادات مشخص ایشان برای اصلاح قانون عملیات بانکی بدون ربا، آورده شده است.

دلایل انحراف از قانون عملیات بانکی بدون ربا

در آیه ۲۷۶ سوره بقره به صراحت آمده است: «یَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَرَبْرِی الصَّدَقَاتِ» خداوند رباخواری را بی‌برکت و نابود می کند، اما صدقه را فزونی و برکت می بخشد. امام جعفر صادق (ع) نیز می فرماید: «رباخواری سبب ناسامانی اجتماع و ظلم به ضعیفان و نابودی اموال و زندگی آنها می گردد.» در جای دیگری از ایشان نقل شده است: «رباخواری باعث ترک تولید می شود.» در واقع، عدم توجه تصمیم‌گیران نظام بانکی کشور به این واقعیات، راه را برای اجرای صحیح قانون عملیات بانکی بدون ربا مسدود کرده که جلوه‌های آن در بخشنامه‌ها، دستورالعمل‌ها و برداشت غالب پرسنل نظام بانکی قابل مشاهده است.

لزوم ایجاد فضا برای اجرای قانون

اعتقاد بسیاری از اعضای تدوین‌کننده قانون عملیات بانکی بدون ربا بر این بود که این قانون، اولین گام در راه اسلامی کردن سیستم تأمین مالی ایران خواهد بود. بدیهی است، این قانون نمی توانست در خلاء عمل کند و می بایستی گام‌های بعدی برای ایجاد فضا و محیطی مناسب برای اجرای آن قانون برداشته شود، زیرا اهداف تغییر کرده بودند. لذا به موازات آن باید ابزار و وسایلی که بتوانند در فرآیندهای مختلف زنجیره ایده‌ها را به عمل تبدیل کنند نیز تغییر می کردند. ابزار مورد نیاز هم پرسنل نظام بانکی هستند. در مراحل ابتدایی اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا، انحراف کوچک از تئوری (قانون) تا عمل، مشکل بزرگی را به وجود آورد، به طوری که هر چه زمان گذشت، از اهداف دورتر شده

نشان می دهند یکی از دلایلی که عقد مشارکت برای سرمایه گذاران جذابیت ندارد، این است که از ارایه و روشن شدن وضعیت مالی خود در مقابل دستگاه های دولتی اکراه دارند. براساس واقعیتی که ذکر شد، به این وسیله پیشنهاد می شود شخص یا اشخاص ثالث در این

امر مداخله کنند. در انجام این کار، حسابداران قسم خورده می توانند نقشی حساس بازی کنند؛ به این معنا که اگر صورت های مالی مؤسساتی که با بانک های اسلامی مشارکت کرده اند، مورد تأیید این حسابداران قرار گیرد، هم مورد قبول بانک ها خواهد بود و هم

مورد قبول وزارت امور اقتصادی و دارایی. این عمل می تواند اعتماد سرمایه گذاران را جلب کرده و آنها را برای انعقاد عقد مشارکت به سوی بانک ها سوق دهد. در ضمن، می توان با تمهیداتی از برخی حساب سازی ها جلوگیری کرد.

پیشنهاداتی برای اصلاح قانون عملیات بانکی بدون ربا

ماده ۱- در بند ۱ (اهداف نظام بانکی) ماده ۱، عبارت استقرار نظام پولی و اعتباری به استقرار نظام تأمین مالی تغییر یابد. در همین بند، عبارت تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار نیز به صورت تأمین مالی پروژه های سرمایه گذاری تغییر کند. در بند ۲ عبارت با ابزارهای پولی و اعتباری به با ابزار تغییر در نسبت سهم سود تغییر یابد. در بند ۳ به جای قرض الحسنه، عبارت تکافل اجتماعی جانشین شود.

ماده ۲- در بند ۱ ماده ۲ انتشار اسکناس و سکه های فلزی رایج کشور طبق قانون و مقررات، جزو وظایف نظام بانکی ذکر شده است، در حالی که هیچ بانکی غیر از بانک مرکزی، حق انتشار اسکناس و سکه های رایج را ندارد. بنابراین، پیشنهاد حذف این بند داده می شود. ضمناً سایر بندهایی که مختص وظایف بانک مرکزی است مانند بندهای ۳، ۴، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ نیز حذف شده که ۱۶ بند این ماده به ۱۰ بند تقلیل می یابد. در بند ۲ عبارت تنظیم، کنترل و هدایت گردش پول و اعتبار طبق قانون و مقررات به عبارت تنظیم، کنترل و هدایت پس اندازها به مجرای سرمایه گذاری و افزایش دارایی های اشخاص حقوقی در درجه اول و ثروت اشخاص حقیقی در درجه دوم طبق قانون و مقررات تغییر یابد. در بند ۶ فعلی این ماده عبارت سیاست های پولی و اعتباری به سیاست تأمین مالی تغییر کند. همچنین در بند ۷ این ماده، عبارت سیستم پولی و اعتباری به سیستم تأمین مالی تغییر یابد. در بند ۹ و ۱۰ قانون فعلی عبارت وام و اعتبار به عبارت قرض الحسنه تبدیل شود.

پیشنهاد می شود عنوان فصل دوم که تجهیز منابع پولی است، به تجهیز پس اندازهای اشخاص حقیقی و حقوقی تغییر یابد.
ماده ۳- در بند "ب" ماده ۳ قانون فعلی، عبارت سپرده های سرمایه گذاری مدت دار به عبارت سپرده های ممتاز و عادی تغییر کند. در تبصره این ماده، کلمه مضاربه حذف شود و در تبصره جدید، شرط تأمین مالی این نوع عقد ذکر گردد. همچنین بهتر است در مورد سرمایه گذاری مستقیم توضیح داده شود که منظور، سرمایه گذاری هایی است که نوع فعالیت و منطقه مورد نظر آن را سپرده گذاران مشخص می کنند.

ماده ۴- در ماده ۴ قانون فعلی، بانک ها مکلف به بیمه سپرده های ممتاز و عادی (در نهاد جدید بیمه سپرده ها) گردیده و خود به طور مستقل آنها را بیمه نمایند.

ماده ۵- ماده ۵ بر اساس تبصره ماده ۳ تعدیل شده و با ذکر سپرده های ممتاز و عادی، نحوه تقسیم سود با صراحت ذکر گردد.

ماده ۶- ماده ۶ بر اساس بند "الف" ماده ۳ (راجع به سپرده های قرض الحسنه جاری یا پس انداز، پرداخت قرض الحسنه توسط سپرده گذاران به نظام بانکی است، بلکه بانک ها در اعطای کلیه سپرده های توهم به وجود نیاید که سپرده های قرض الحسنه جاری یا پس انداز، پرداخت قرض الحسنه توسط سپرده گذاران به نظام بانکی است، بلکه بانک ها در اعطای کلیه سپرده های قرض الحسنه جاری یا پس انداز به اشخاص حقیقی یا حقوقی مکلف گردند.

پیشنهاد می شود عنوان فصل سوم، از تسهیلات اعطایی بانکی به تأمین مالی توسط بانک ها تغییر یابد.

ماده ۷- در این ماده، عبارت بازرگانی و خدماتی حذف شده و بخش های مختلف تولیدی ذکر گردد. با توجه به تبصره ۲ ماده ۳ پیشنهادی، ماده ۹ و تبصره مربوطه کلاً حذف شود.
ماده ۱۰- این ماده در قانون فعلی به همین صورت باقی می ماند؛ با این تفاوت که در مورد فروش اقساطی، شرط اصلی تحقق آن، قبض و اقباض اعلام شود. تبصره مربوطه نیز بدون تغییر باقی می ماند مشروط بر این که در خصوص تأمین مسکن برای اشخاص حقیقی، ارزیابی سهم بانک و فروش آن به مشتری بر اساس قیمت روز صورت گیرد.
ماده ۱۴- به دلیل آن که در ماده ۶ جدید و تبصره مربوط به آن، تکلیف منابع قرض الحسنه تعیین شد، ماده ۱۴ قانون فعلی حذف گردد.

ماده ۱۵- این ماده قانون عملیات بانکی بدون ربا که بعداً توسط مجلس شورای اسلامی اصلاح گردید، با قدری تغییر و با توجه به روح قانون جدید حفظ می شود.

مواد ۱۶ و ۱۷- این مواد با تغییر جزئی (با تأکید بر بخش های تولیدی) اصلاح می شوند. گفتنی است، قبل از رسیدن به فصل چهارم در خصوص بانک مرکزی، ضرورت دارد که وظیفه مدیران عامل و اعضای هیأت مدیره و نحوه انتخاب ایشان در پایان فصل سوم مشخص شود.
در عنوان فصل چهارم، واژه سیاست پولی حذف شده و سیاست تأمین مالی به جای آن بکار رود.

ماده ۲۰- بندهای ۱ و ۲ ماده ۲۰ قانون فعلی برای ایجاد انگیزه در مناطق محروم بر اساس درجه محرومیت آنها تعدیل گردد. در مورد بند ۱ می توان برای تشویق حضور سرمایه گذاران در مناطق محروم، درآمد قابل مالیات را بر اساس درجه محرومیت این مناطق تنظیم نمود. بند ۲ (تفاوت نرخ سود در فعالیت های مختلف) به دلیل آن که سهواً یا عمداً مورد سوء استفاده زیادی قرار گرفته و بانک ها به جای تعیین سهم سود در مقایسه با سهم سرمایه بهره را به مشتریان خود اعلام کرده اند، می بایستی در مورد آن دقت لازم به عمل آید. همچنین، بندهای ۳ و ۴ این ماده با تغییراتی جزئی به صورت فعلی باقی بمانند. در این صورت ضرورتی به بند ۵ ماده ۲۰ وجود ندارد و می تواند حذف شود. بند ۶ این ماده نیز با قدری تغییر می تواند به وضع فعلی باقی بماند.

در فصل پنجم (متفرقه) ذکر شود که از تاریخ اجرای این قانون، هیچ هزینه ای به عنوان هزینه بهره یا ربا، هزینه قابل قبول محسوب نخواهد شد. همچنین تأکید شود که وزارت امور اقتصادی و دارایی در تعیین درآمد قابل مالیات و دادگاه های سراسر کشور در دعاوی ارجاعی موظف اند به این نکته خاص توجه داشته باشند.

مواد ۲۳ و ۲۴- ماده ۲۳ قانون فعلی به صورت فعلی باقی می ماند. بماند. اما ماده ۲۴ اندکی تغییر یافته و لازم است در پنج ماده جدید، موضوعات زیر به ترتیب لحاظ گردند:

- **اول،** تأسیس واحدهای نظارت و کنترل در هر یک از بانک ها به منظور حصول اطمینان از اجرای دقیق قانون
- **دوم،** زمینه سازی برای اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا از طریق آزمایشی (Pilot Study) و ایجاد زمینه برای گسترش آن در تمام شعب بانک های سراسر کشور
- **سوم،** الزام کردن بانک ها به فروش سهام خود در واحدهایی که با آنها عقد مشارکت بسته اند. این اقدام از گسترش بی رویه بانک ها که خود بخشی از دولت ایران تلقی می شوند و نیز برای راه سازی منابع بانکی جهت تأمین مالی واحدهای نیازمند جلوگیری می کند.
- **چهارم،** استفاده از تخصص بانک صنعت و معدن و کارشناسان دادگستری و نیز مؤسسات کارشناسی برای جلوگیری از گسترش بی رویه دستگاه های دولتی
- **پنجم،** تشکیل کمیته تخصصی مشورتی بانکداری اسلامی در بانک مرکزی (یا در بانک های کشور)

ضمناً ۱) در تمام مواردی که در قانون عبارت "بانک ها می توانند" آمده است به عبارت "بانک ها مکلف هستند" تغییر یابد. ۲) بهره (یا ربا) عبارتست از هر مبلغ اضافه بر مبلغ اسمی که وام گیرنده موظف به پرداخت آن به وام دهنده پس از گذشت زمان معین می باشد. این مبلغ اضافی جزئی از هزینه وام گیرنده محسوب می گردد.

۳) بانک ها می توانند به تناسب نیاز و شرایط جدید، علاوه بر عقود مندرج در این قانون از عقود دیگری که مورد تأیید کمیته مشورتی بانکداری اسلامی می باشد، برای رفع نیاز مالی اشخاص حقیقی یا حقوقی استفاده کنند.

انجمن اقتصاددانان ایران

اقتصاد شعار محور

دکتر زنوز معتقد است، سازمان مدیریت و برنامه ریزی و شورای پول و اعتبار، مانع اصلی دولت نهم در اعمال سیاست‌های آن به شمار می‌رود.



اولین جلسه پاییزی انجمن اقتصاددانان ایران، در روز پنجشنبه ۲۶ مهرماه سال جاری در محل سالن اجتماعات اتاق بازرگانی و صنایع و معاون ایران برگزار شد. دکتر هادی زنوز، استاد دانشگاه و از اقتصاددانان برجسته کشورمان، در این جلسه به بررسی سیاست‌های اقتصادی دولت پرداخت. دکتر زنوز در ابتدای جلسه، چارچوب‌های کلی سخنان خویش را در چهار محور اساسی تشریح کرد که این محورها، سیاست‌های مالی، سیاست‌های پولی، سیاست‌های تجاری و

این اقتصاددان برجسته کشورمان در خصوص اقدام دوم دولت برای رسیدن به اهداف خود، به تغییرات در نظام پولی و مالی کشور اشاره کرد و گفت: دولت نهم با انحلال شورای پول و اعتبار و ملزوم کردن بانک‌ها بر کاهش نرخ بهره و همچنین تحمیل اراده خود بر سیستم بانکی به منظور توزیع اعتبارات بانکی برحسب اولویت‌های دولت، بدعتی در ادغام عقلانیت سیاسی و عقلانیت اقتصادی داشته است.

دکتر زنوز در بخش دوم سخنانش به تشریح سیاست‌های پولی دولت نهم پرداخت. همانند سابقه دولت‌های گذشته مبنی بر تأمین کسری بودجه دولت از طریق بانک مرکزی و به جریان انداختن پول پر قدرت که نتیجه آن افزایش نقدینگی در جامعه بود، دولت نهم نیز این شیوه را ادامه داده است، به طوری که حجم نقدینگی که در انتهای سال ۱۳۸۳ در حدود ۶۵ میلیارد دلار بوده است به بیش از ۱۳۰ میلیارد دلار ابتدای سال ۸۶ رسید. وی، سیاست‌های کلی دولت را در بخش‌های پولی و مالی، انبساطی ارزیابی کرد و ادعای دولت نهم را مبنی بر افزایش عرضه از طریق اجرای این سیاست‌ها در بخش‌های عمرانی و کاهش فشارهای تورمی و همچنین شکست ساختاری در مورد از بین رفتن رابطه یک به یک بین رشد نقدینگی و تورم را کذب محض خواند.

این استاد دانشگاه با اشاره به برآورد نشریه اکونومیست مبنی بر نرخ تورم ۱۷ درصدی در اقتصاد ایران، این موضوع را رابطه مستقیم با رشد نقدینگی در سال‌های اخیر ارزیابی کرد.

دکتر زنوز ادعای دیگر دولت مبنی بر تک رقمی شدن نرخ بیکاری و رسیدن آن به ۹/۹ درصد را عددی غیرمعقول عنوان کرد و گفت: براساس آخرین سرشماری کشور در سال ۸۵ نرخ بیکاری در ایران با تعریف بسیار سخت از بیکاری، معادل ۱۲/۵ درصد اعلام شد. حال آن که جمعیت فعال در کشور ۲۳/۵ میلیون نفر می‌باشد و از زمان سرشماری نیز براساس

در آخر، سیاست‌های کلی دولت در مورد اصل ۴۴ را در بر می‌گرفت. وی در تشریح سیاست‌های مالی، اساس کار دولت نهم را تزریق منافع حاصل از فروش نفت در اقتصاد جامعه از طریق اجرای سیاست‌های مالی و انبساطی عنوان کرد و خاطر نشان ساخت، دولت بر این باور است که برای مبارزه با بیکاری و رفع نیازهای مردم باید درآمدهای حاصل از فروش نفت در میان اقشار کم درآمد تقسیم شود. در همین راستا، دولت برای تحقق هدف خود دو مانع اساسی را پیش رو می‌دید. اولین و مهمترین مانع که در راه دولت نهم جهت تخصیص منابع نفتی و سرمایه حاصل از آن به امور جاری، سازمان مدیریت و برنامه ریزی بود که با برداشتن آن، راه را برای تسهیل سیاست یاد شده هموار ساخت.

دکتر زنوز افزود: دولت در ابتدا با حذف سازمان‌های مدیریت و برنامه ریزی استان‌ها و ملزوم کردن آنان به ادغام شدن در استانداری‌ها و سپس حذف سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و قرار گرفتن آن به عنوان شعبه‌ای در معاونت ریاست جمهوری، سازمانی را که مجری پنج برنامه پیش از انقلاب و سه برنامه بعد از انقلاب بود حذف کرد. این سازمان که وظیفه اصلی تخصیص منابع بر بخش عمومی و نظارت بر این منابع را بر عهده داشت، به عنوان یک مانع بوروکراتیک از سوی دولت نهم معرفی شد.

دکتر زنوز در ادامه به تشریح رویکرد منفی دولت در قبال برنامه چهارم توسعه پرداخت و گفت: دولت در قانون بودجه که با اعتراض مجلس نیز مواجه شد، موانع بسیاری را در راه نظارت مجلس بر روی مصارف بودجه ایجاد کرد. به عنوان مثال، در برنامه چهارم برای برداشت‌های دولت از درآمدهای نفتی سقف مشخصی تعیین شده است، اما دولت در سال‌های ۸۴ و ۸۵ با اضافه کردن سه الی چهار متمم به این برنامه، سهم خود را در درآمدهای بودجه افزایش داده است.

نیاز به شناخت ریسک و خدمات کارگزاران مشاور

غالب عقود بسته شده توسط بانک‌های کشورمان، بر اساس وثیقه (ملکی یا سفته و امثال آنها) تضمین می‌شود - و این خود، دلیل روشنی است بر انحراف بانک‌ها از قانون مورد بحث، زیرا اخذ وثیقه مطمئن در اعطای وام "معنا پیدا می‌کند، در صورتی که در قانون مذکور، چون انتظار بر مشارکت‌های واقعی بوده و قراردادهای تنظیم شده، می‌تواند سند مالکیت یا به عبارتی سهام بانک (به وکالت از طرف سپرده‌گذاران) تلقی گردند جزو اسناد لازم‌الاجرا محسوب شده‌اند و نباید وثیقه‌ای مطالبه شود. در شرایط فعلی، تحلیل هزینه - فایده و یا شناسایی ریسک و مدیریت آن مفهومی در نظام بانکی ندارد، اما به تدریج با حرکت بانک‌های کشور به سمت اجرای واقعی قانون عملیات بانکی بدون ربا، مطمئناً نیاز به تخصص‌های گوناگون برای انجام تحلیل‌های یاد شده به وجود خواهد آمد.

کمیته مشورتی بانکداری اسلامی

پیشنهاد می‌شود کمیته‌ای مشورتی از افرادی که مؤکداً سوابق تحقیقاتی یا تحصیلاتی ایشان در مورد پول و بانکداری اسلامی بوده با ترکیبی شامل استادان اقتصاد، علمای حوزه، بانکداران، حقوقدانان و متخصصان مالیه بانک‌های مختلف (یا بانک مرکزی)، به عنوان راهنمایی و صدور دستورالعمل‌های اجرایی واحد و متحدالشکل تشکیل گردد.

نیاز فوری به دوا بر نظارت و کنترل در بانک‌ها

ماهیت مشارکت که بدنه بانکداری اسلامی را تشکیل می‌دهد، نیاز مبرم تشکیل یک واحد نظارت و کنترل قوی و کارآ را ایجاد می‌کند. وظیفه چنین واحدی این است که اطمینان حاصل شود کلیه عملیات (اعم از قراردادهای، فرم‌ها، درخواست‌ها، میزان تأمین مالی و نحوه مشارکت از نظر تقسیم سود) به نحو احسن انجام می‌شود. توجه به اهمیت فوق‌العاده این دایره ایجاد می‌کند که پرسنل آن از متخصص‌ترین افراد و توسط نهادی مستقل از بانک ولی با استفاده از پرسنل فعلی بانک‌ها، با آموزش صحیح انتخاب شوند. این دوا برمی‌تواند جایگزین ادارات بازرسی موجود شوند، زیرا وظایف پیشنهادی آنها فراتر، مهمتر و تخصصی‌تر از ادارات بازرسی فعلی بانک‌ها می‌باشد.

تشویق سرمایه‌گذاران و کارکنان بانکی

فقه اقتصاد اسلامی، محدودیت خاصی روی نسبت سود (در مقایسه با نسبت سرمایه) ندارد. به عبارت دیگر، نسبت سود (همچنان که در قانون نیز آمده است) می‌تواند بر اساس میزان مورد توافق بین سرمایه‌گذار و بانک تعیین شود. سیاست‌گذاری نسبت سود در مقایسه با سهم سرمایه می‌تواند برای سرمایه‌گذاران و واحدهای اقتصادی انگیزه ایجاد کند. به علاوه، افزایش انگیزه پرسنل در نظام بانکداری اسلامی را نباید از یاد برد.

در خاتمه باید گفت، در صورتی که مشارکت واقعی صورت بگیرد سپرده‌گذاران به دلیل شرکت در سود از آثار سوء تورم مصون خواهند ماند. ■